۱

پناه مشید مبانی ملت بیضا مؤسس قواعد شریعت غرا
سید سلاطین زمان و زمین ملجأ خواقین معدلت آیین
عروه شجره ابهت و اقبال محیط عالم عظمت و اجلال
باسط مهاد امن و امان قالع اساس ظلم و عدوان غلام
خاص باخلاص حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان ابو
المظفر شاه سلطان حسین الصفوی الموسوی بهادر
خان ادام الله سبحانه ظلال اجلاله علی مفارق الانام
و ابد اعلام دولته مدی اللیالی و الایام مخفی نماند که تحقیق
امور دین اعراض از ظن و تخمین بیقین است در اینوقت
همت والای خورشید اعتلا ملتفت شد بتبیان و تبیین

روز مولد مبارک حضرت یعسوب الدین و قاید الغر
المحجلین اسد الله الغالب و حجته علی الثقلین فی المشارق
والمغارب امیر المؤمنین و سید الوصیین علی بن ابی طالب علیه
من الصلوات ازکاها و من التحیات انماها تا آنکه کافه
صلحاء شیعیان و موالیان آنحضرت آن روز فیروز را
از اعداد اعیاد و اوقات سرور و حبور شمرند و باکثار
عبادات و شکرگذاری واهب العطیات مستسعد و بهره مند
گردند و فرمان لازم الاذعان شرف نفاذ یافت که این حقیر
بی بضاعت در آن باب رساله کافیه شافیه پرداخته منظور
حیز منظور ایشان گردانیده بپایه سریر اعلی رساند پس امتثالا
للامر الاعلی این رساله سمت تحریر یافته مرتب شد بر سه باب و

بهدایة الصالحین موسوم گردید و من الله الاعانة و التیسیر
الاستکانة **باب اول** در ذکر اخبار ائمه طاهرین صلوات
الله علیهم و اقوال علمای سابقین و لاحقین طاب مراقدهم
الشریفه که متعلق است باین مطلب عالی **اما** اخبار وارده
در این باب پس بعضی از آنها دلالت میکند بر اینکه مولد
مبارک آن سرور روز یکشنبه هفتم شعبان است و
برخی دلیل است بر اینکه این عطیه عظمی در ماه رمضان بوده
و ظاهر طایفه از اخبار آنست که آنحضرت در ماه ذی
الحجه نور بخش عالم ظهور گردیده و از بعض روایات ظاهر است
که ولادت با سعادت آن برگزیده خدا در سیزدهم ماه رجب بوده
و شیخ طایفه محقق محمد بن الحسن الطوسی نور روحه القدوسی

در کتاب مصباح المتهجد از صفوان بن مهران الجمال روایت
کرده که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود
متولد شد امیر المؤمنین علیه السلام در روز یکشنبه بعد از آن
که گذشت هفت شب از ماه شعبان و شیخ محمد بن علی بن
شهرآشوب رحمه الله در کتاب مناقب روایت کرده از
حسن بن محبوب از حضرت امام جعفر صادق علیه التحیة
والسلام که آنحضرت فرمود شکافته شد پشت خانه
کعبه و فاطمه بنت اسد داخل شد پس شکاف بحال اول
عود کرد و اجزاء دیوار بیکدیگر پیوست و فاطمه سه روز در درون
خانه کعبه ماند و از میوهای بهشت میخورد و چون بیرون آمد
علی علیه السلام گفت السلام علیک یا ابه و رحمة الله و

برکاته آنگاه تنحنحی کرد و گفت بسم الله الرحمن الرحیم قد
افلح المؤمنون و چند آیه تلاوت کرد پس جناب رسالت
صلی الله علیه و آله فرمود بتحقیق که رستگار شدند مؤمنان
بتو بخدا قسم که تویی امیر ایشان میرسانی بایشان از دانش
خود پس بهره مند میشوند و تویی بخدا قسم دلیل و رهنمای
ایشان و بخدا قسم که بتو هدایت می یابند و پیغمبر زبان
مبارک خود را در دهان آنحضرت کرد و از آن دوازده چشمه
گشوده شد پس آن روز را روز ترویه نامیدند و چون فردا
آن روز شد و نظر آنحضرت بجناب رسالت مآب افتاد
خندید و اشاره بآنحضرت میکرد پس پیغمبر صلی الله
علیه و آله او را گرفت و فاطمه گفت عرفه یعنی شناخت او را

پس نامیدند آن روز را عرفه و چون روز سیم شد و
آن روز دهم ذی حجه بود ابوطالب صلای عام داد و
خلایق را بولیمه علی علیه السلام دعوت کرد و سیصد رأس
شتر و هزار راس گاو و گوسفند بکشت و ولیمه ساخت
و فرمود تا خلایق هفت شوط طواف خانه کعبه کنند
و داخل خانه آنجناب شوند و سلام کنند بر علی علیه
السلام پس چنین کردند و شیخ طوسی رحمه الله در کتاب
امالی باسناد از حضرت صادق صلوات الله علیه این
خبر را ذکر کرده و روایتی دارد و ما موضع حاجت از
آن را ذکر میکنیم روایت کرده که آنحضرت فرمود عباس بن
عبدالمطلب و یزید بن قعنب در میان طایفه از بنی هاشم

و بنی عبدالعزی نشسته بودند در برابر خانه کعبه زادها الله
شرفا که فاطمه بنت اسد مادر محترمه امیرالمؤمنین علیه السلام
آمد و نه ماهه حامله بود بآنحضرت و آن روز تمام
مدت حمل بود و در برابر خانه معظمه ایستاد و دردزه
او را گرفته بود پس نظر کرد بجانب آسمان و گفت پروردگارا
بدرستی که من ایمان دارم بتو و بآنچه از جانب تو پیغمبرت
آمده و حضرت صادق علیه السلام بعد از ذکر تمام دعا که
فاطمه فرمود پس چون فاطمه این دعا را کرد خانه کعبه از
جانب عقب شکافته شد و فاطمه داخل شده از نظرها
غایب گردید و شکاف رفع شده اجزاء دیوار بیکدیگر
پیوست پس خواستند که در خانه کعبه را بگشایند تا

بعضی

از زنان نزد فاطمه روند متحیر شدند پس دانستند که این
سری است از جانب حق تعالی و فاطمه سه روز در درون خانه
خدا مانده اهل مکه این سخن را بر زبانها گرفتند و در سر بازارها
میگفتند و زنان در خانها بنقل این قصه غریبه مشغول
بودند و بعد از سه روز خانه کعبه از همان موضع شکافت
و فاطمه بیرون آمد و علی علیه السلم بر دستش بود و بعد
از ذکر کلامی گفت که من در خانه کعبه زائیدم و سه روز
ماندم که از میوهای بهشت میخوردم و چون خواستم که
بیرون آیم و فرزندم بر دستم بود شنیدم که هاتفی گفت
ای فاطمه او را علی نام کن پس منم علی اعلی و خلق کردم او را
بقدرت خود و بعد از ذکر کلامی فرمود که پیغمبر

صلی الله علیه و آله بفاطمه فرمود که نزد عمش حمزه رو و
بشارت ده او را فاطمه گفت هر گاه من بروم کیست که سیراب
کند علی را آنحضرت فرمود که من سیراب میکنم او را پس فاطمه
در مقام تعجب گفت تو سیراب میکنی او را رسول صلی الله
علیه و آله فرمود آری و زبان خود را در دهان او گذارد
و از آن دوازده چشمه گشوده شد پس آن روز را ترویه
نامیدند و ذکر فرمود تمام قصه را آنگاه گفت و در
فردای آن روز پیغمبر صلی الله علیه و آله بخانه فاطمه آمد پس
چون علی علیه السلم آنحضرت را دید بر او سلام کرد و در
روی مبارکش خندید و اشاره کرد بآنحضرت که مرا بگیر
بخود و بیاشامان بمن آنچه را دیروز آشامانیدی پس

حضرت رسالت صلی الله علیه و آله علی را گرفت و فاطمه
گفت عرفه و رب الکعبه پس از این جهت آن روز را عرفه نام نهادند
یعنی آنکه سوگند بخدای کعبه که علی شناخت پیغمبر را و چون
روز سیم شد و آن روز دهم ذی حجه بود ابوطالب خلایق
را بولیمه دعوت کرد و ذکر فرمود قصه ولیمه را و کراجکی
رحمه الله در کتاب کنز الفوائد گفته که روایت کرده اند
محدثون و مصنفون در کتابهای خود نوشته اند و قصه
طویل الذیل از احوال ابی طالب و فاطمه رضی الله عنهما ذکر
کرده و در طی آن گفته که و فاطمه گفت آنگاه حامله شدم
بعلی در دهم ذی حجه پس چون ماه ولادت خاص شد
و آن ماه رمضان بود در خواب دیدم که عمودی از آهن

از

از سوم برآمد و بسوی هوا بالا رفت تا آنکه باسمان رسید
پس باز برگردید بنزد من گفتم این چیست گفتند این است
کشنده کفار و صاحب عهد نصرت باش و سطوتش عظیم
است میترسند مردمان از بیمش و اوست یاری خدا پیغمبرش
را و تقویت خدا المختص به او بر دشمنش پس علی را زائیدم
و گفته است که در حدیث وارد شده که فاطمه داخل خانه
کعبه شد بنحوی که عادتش بود پس دخول خانه مقارن شد
وقت ولادت او و امیر المؤمنین علیه السلام متولد شد در میان
خانه کعبه و آن در نیمه ماه رمضان بود و حضرت
رسالت در آن وقت سی سال تمام داشت و فرقة المحدثین
رحمه الله در کتاب بحار الانوار از کامل الزیاره با اقبال

الاعمال نقل کرده که روایت شده که روز سیزدهم ماه
رجب مولد سرور ما علی بن ابی طالب علیه السلام است در
خانهٔ کعبه قبل از بعثت پیغمبر صلی الله علیه وآله بدوازده
سال و اما علمای امامیه پس از قدما و متاخرین
احدی عمل بروایت صفوان نکرده و بعضی با انکه متعرض
ذکران روایت شده اند حکم بر خلاف ان کرده اند و
اینکه مولد انحضرت در بیست وسیم شعبان باشد قوی
است مجهول القایل که در بحار الانوار ذکر شده و منقول
بود که قایلش اشتباه کرده باشد در روایت صفوان
میان یقین و مضین یا انکه در رجب و شعبان اشتباه
شده باشد چه در بعض نسخ مسار الشیعه شیخ مفید رحمه

الله اینست که مولد انحضرت در بیست وسیم رجب بوده
و شیخ طوسی رحمه الله در کتاب تهذیب الاحکام و شیخ طبرسی
طاب مرقده در اعلام الوری و سید ابن طاوس رضی الله عنه
در کتاب اقبال و شیخ جلیل القدر علی بن عیسی الاربلی قدس
سره در کتاب کشف الغمه و علامه حلی طیب الله مرقده در
کتب خود مانند کتاب نهج الحق و کتاب کشف الیقین و
کتاب منهاج الصلاح و کتاب تحریر فقه و شیخ حسین بن
عبد الصمد الحارثی و الافضل المتاخرین شیخ بهاء الدین
محمد العاملی در کتاب وصول الاخیار الی اصول الاخبار
و شیخ بهاء الدین محمد در کتاب توضیح المقاصد و شیخ
کفعمی در کتاب جنة الامان و حسن سبزواری در کتاب

راحة الارواح وصاحب کامل بهائی در کتاب تحفة الابرار
وکتاب اسرار الامامة وصاحب کتاب روضة الواعظین و محمد
بن شهرآشوب رحمه الله در کتاب مناقب اقتصار کرده اند
بر اینکه مولد مبارک آنحضرت روز جمعه سیزدهم ماه رجب
در درون خانه کعبه زادها الله شرفا بوده و نقل خلاف
در آن نکرده اند و شیخ شهید اول رحمه الله در کتاب دروس
بعد از حکم باینکه ولادت باسعادت آن سرور در سیزدهم
رجب بوده روایت صفوان را بعنوان و روی که مشعر بضعف
آنست ذکر کرده و ابن شهرآشوب در موضع دیگر از کتاب
خود روایت حسن بن محبوب را که سبق ذکر یافت ایراد کرده و
اما شیخ مفید رحمه الله پس بنا بر آنچه در اکثر نسخهای ارشاد

است موافقت با مشهور و در بعض نسخ آن کتاب بیست و سیم
رجب مسطور است چنانکه در بعض نسخ کتاب مسار الشیعه
است و میتواند بود که از تحریف نساخ باشد و ارباب تواریخ
شیعه و سنی و عامه محدثین عامه موافقت با مشهور میان
محدثین و علمای شیعه کرده اند همچنانکه در کتاب فصول مهمه
و کتاب غایة السؤل و تاریخ نگارستان مذکور است و حمد
الله مستوفی در تاریخ گزیده گفته که مولد آنحضرت در
ماه جمادی الاولی بوده و در قانون مسعودی نیز چنین
واقع شده و شیخ طوسی رحمه الله در کتاب مصباح المتهجد اولا
از ابن عیاش نقل کرده که روز سیزدهم از ماه رجب مولد
امیر المومنین ع بوده در خانه کعبه قبل از بعثت پیغمبر صلی

الله علیه وآله بدوازده سال و در باب زیادات اعمال ماه
رجب گفته که روایت شده از عتاب بن اسید که گفت متولد
شد امیر المؤمنین علی بن ابی طالب در مکه درون خانهٔ محترم خدا
روز جمعه سیزدهم ماه رجب و پیغمبر صلی الله علیه وآله در
آنوقت بیست و هشت سال داشت پیش از بعثت بدوازده
سال و در باب زیادات اعمال شعبان روایت صفوان
جمال را ایراد کرده و فخر المحدثین رحمه الله در کتاب زاد
المعاد در باب اعمال ماه رجب گفته که مشهور آنست که ولادت
باسعادت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در میان
کعبه معظمه در روز سیزدهم ماه رجب بود دوازده سال
قبل از مبعوث شدن حضرت رسول صلی الله علیه وآله

و علی بن ابرهیم گفته است که ولادت حضرت امام علی نقی
علیه السلام نیز در روز سیزدهم ماه رجب بوده در سال دویست
و چهارده از هجرت و در باب اعمال شعبان گفته که شیخ
طوسی بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در هفتم
ماه شعبان متولد شده اگرچه خلاف مشهور است چنانچه
در ماه رجب مذکور شد و در کتاب جلاء العیون گفته
که مشهور میان محدثین و مورخین خاصه و عامه آنست که
آنحضرت در روز جمعه سیزدهم ماه رجب بعد از سی سال از
عام الفیل در میان کعبه معظمه متولد شد و در آنوقت
عمر شریف حضرت رسالت صلی الله علیه وآله بیست و هشت

سال بود دوازده سال و بقولی ده سال پیش از بعثت
آنحضرت بود و شیخ طوسی در مصباح بسند صحیح از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که ولادة موفور السعادة
آنحضرت در روز یکشنبه هفتم ماه مبارک شعبان واقع شد
و قول اول اشهر است و بعضی از سادات علمای معاصرین
اصلح الله شانه در کتاب خود که مسمی بذریعة النجاح است
ذکر کرده که در روز سیزدهم ماه رجب موافق مشهور
ولادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در خانهٔ کعبه
واقع شد و در موضع دیگر گفته که بسند معتبر صفوان جمال
از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام در روز یکشنبه هفتم ماه شعبان متولد

شد این است آنچه بتتبع این حقیر بی بضاعت بر آن اطلاع
یافت **باب دویم** در ترجیح قول مشهور خبر و حدیث
کلامی است که نسبتش را خارجی باشد و مدلول خبر حکایت
از آن خارج است پس مطابقه با خارج صادق و مخالفش
کاذب است و باین جهت لازم خبر است احتمال صدق و کذب
نظر بمفهوم آن با قطع نظر از بدیهه و برهان پس عقل
بمجرد نظر در مدلول واحد ضعف اثنین است و عالم حادث
است و اجتماع نقیضین جایز است و عالم قدیم است تجویز
صدق و کذب هر یک میکند هر چند بدیهه عقول صدق
اول و کذب ثالث و برهان صدق ثانی و کذب رابع
متعین است و حدیث در اصطلاح بعضی تخصیص یافته

بخبری که منقول باشد از جناب رسالت یا یکی از ائمه
اخیار صلوات الله علیهم و خبر باعتبار علم بوقوع
مضمونش بر پنج قسم است مقطوع الصدق و مقطوع
الکذب و مظنون الصدق و مظنون الکذب و مشکوک
فیه و از مقطوع الصدق اخبار صادر است از انبیا
و اوصیا که بمعجزات باهره صدقشان معلوم است بلکه
بمقتضای تحقیق مطابقه خبر با نفس الامر عبارت از
موافقت با علوم کامله ائمه اطهار است علیهم السلام
که مشتق از نور نبی است صلی الله علیه و آله و از نور صادر
اول و باصطلاح فلاسفه عقل اول است پس هر حکمی که
مطابق باشد با علوم ائمه صلوات الله علیهم صادق است

و مخالفان کاذب چه ائمه اثنی عشر علیهم افضل الصلوات
و التحیات بر مذهب امامیه علم ما کان و ما سیکون دارند و
خبر باعتبار دیگر یا متواتر است یا خبر واحد و تواتر در لغت
پی در پی آمدن است بدون اتصال و در اصطلاح خبر متواتر
آن است که کثرت روات در همه مراتب بحدی باشد که
عقل تجویز نکند بر ایشان اتفاق و تواطؤ بر کذب را
و علم بمدلول آن خبر بنقل آن جماعت حاصل شود و روات
خبر متواتر شرط نیست که عادل باشند بلکه اسلام ایشان
نیز معتبر نیست مانند اخباری که مفید علم بوجود بلاد بعیده
و امم سالفه است برای ما و ماعدای متواتر از اخبار باتفاق
عقلا افاده علم قطعی بوجود مدلول خود نمیکند مگر آنکه

محفوف بقراین باشد و مراتب ظن در شدت و ضعف
مختلفست و در بعضی از مطالب اکتفا ببعض مراتب آن لازم
است چنانکه در باب شهادات از کتب فقهیه بیان شده
و جواز عمل باخبار احاد در احکام شرعیه فرعیه مختلف
فیه است و جماعتی از قدمای امامیه رضی الله عنهم مانند
سید مرتضی و ابن ادریس منع از آن کرده اند و مشهور میان
متاخرین جواز است و اما لزوم اعتقاد بوقوع مضمون
خبر واحد پس عاقلی بان نرفته و مخبر به بر سه قسم است اول
آنچه عقل مستقل است در معرفتش و اگر شرع موافق آن
وارد شود مؤید و مؤکد خواهد بود و اگر مخالف باشد تاویل
منقول لازم است و با امتناع تاویل طرح باید کرد دوم

آنچه علم بان باستعمال حواس ظاهره حاصل تواند شد و
در این قسم نیز احتیاجی بشرع نیست و اگر موافق محسوس وارد
شود مؤکد است سیم بعضی از شرعیات که عقل را طریقی
بمعرفت جهت حسن و قبح آن نیست مانند حسن روزه آخر ماه
رمضان و قبح روزه شوال و طریق معرفت این قسم منحصر در
توقیف و تنبیه انبیا و اوصیاست صلوات الله علیهم و
تعارض دو دلیل قطعی جایز نیست از جهت امتناع اجتماع
نقیضین در متن واقع و دلیل ظنی از معارضه و معارضه
با دلیل قطعی قاصر و عاجز است و هر گاه ممکن نشود تاویل
دلیل ظنی که در ظاهر معارض دلیل قطعی باشد عدول
از آن و طرحش متعین است و اگر ادله ظنیه با یکدیگر

تعارض کنند و جمع میان انها ممکن نباشد باید رجوع
کرد بجهات ترجیح چنانچه در مقبوله عمر بن حنظله از حضرت
صادق علیه السلام رسیدست وبعد از تمهید این مقدمات
میگوییم خبر صفوان که دلالت میکند بر ولادت انحضرت
در هفتم شعبان و روایت حسن بن محبوب که دلیل است بر انکه
مولد مبارک در ذی الحجه است و انچه کلینی نسبت
بمحدثین و مصنفین داده که مولد همایون در ماه رمضان
است هیچیک بحد تواتر نرسیده و از قبیل خبر محفوف
بقراین نیست بلکه از اخبار نادره شاذه است و صحت روایت
صفوان باصطلاح هیچیک از متقدمین و متاخرین معلوم
نیست اما اول پس از جهت انکه مناط صحت خبر نزد قدما

تکرر در اصول و تلقی امت بعمل و قبول است و در این
روایت این معنی موجود نیست و اما ثانی پس بسبب انکه طریق
شیخ طوسی رحمه الله بکتاب صفوان مشتمل است بر ابن ابی
جید و علماء رجال صریحا توثیق او نکرده اند و بر تقدیر تسلیم
معلوم نیست که شیخ رحمه الله این روایت را از کتاب صفوان
نقل کرده باشد و انحصار مرویات صفوان در انچه در ان
کتاب است وجهی ندارد و بر ناقد بصیر ظاهر است که علماء در ترجمه
رواة گاه میگویند اخبرنا بکتابه و گاه اخبرنا بجمیع مرویاته
پس حکم بصحت روایت از غفلت است ولهذا قدوة المحدثین
رحمه الله در کتاب زاد المعاد که اخر تالیفات ایشان است
از حکم بصحت که در حلیة العیون شده عدول کرده و باین

اعتبار در ذریعة النجاح نیز اکتفا بوصف اعتبار شده
با انکه صحت خبر بر تقدیر صحت از جهت احاد بودنش غیر
و بر هر عاقلی معلوم است که موالید و امثال ان از وقایع
از فروع شرعیه مفتقر بکشف شارع نیست بلکه هر گاه
بمشاهده یا تواتر علم بخصوص زمانش معلوم شود خبر
واحدی که مخالف باشد باید طرح کرد و اگر دلیلی اقوی
از خبر در افاده ظن متحقق باشد دلیلی بر تقدیم ان
خبر متحقق نیست و از طریق علما امامیه که امنا
شرع‌اند رضوان الله علیهم معلوم است که بعد از اطلاع
بر این اخبار حکم کردن ایشان بخلاف ان از غفلت یا
معانده نبوده بلکه علم عادی حاصل است که چون دلیل اقوی

وامتن بر خلاف ان روایات یافته اند نمانند نقل متواتر
یا واحد محفوف بقراین حکم بمضمون ان اخبار متعارضه نکرده
اند و از انچه از کلمات علما سلف و خلف ذکر شد معلوم
گردید که تا این زمان احدی از علما عامه و خاصه بعنوان
اعتقاد نگفته که مولد انحضرت هفتم شعبان است با انکه حسن
بن محبوب فی نفسه اجل شانا از صفوان بن مهران است
پس این را از تعداد اقوال شمردن و روایت را دلیل بر ان
کردن از مقوله تدلیس و اینکه علما در مؤلفات خود امری
را بدون تقیه بنحوی بیان کنند و در واقع معتقد
خلاف ان باشند از باب اضلال و از باب تدلیس است و
توهم اینکه ترک روایت مستلزم تکذیب امام مفترض الطاعه

است ظاهر الاند فاعست زیرا که باعتقاد امامیه اقوال
ائمه طاهرین صلوات الله علیهم در هر باب هر گاه از احتمال تقیه و
مجاز عری باشد مطابق نفس الامر می باشد لیکن تنزل از روات
باعتبار احتمال عدم صدور آن است از امام علیه السلام و تخطئه
وسائط میان شیخ و امام علیه السلام اسهل است از تخطئه کافه
علما شیعه در جمیع امصار و اعصار و نسبت دادن ایشان بمتابعت
مخالفین بدون رویه و تامل و اگر بعضی را بقلت تتبع
متهم دارند پس ظاهر آن است که از علما متاخر از شیخ طوسی
احدی نباشد که مصباح شیخ را ندیده و متهجد او در نیافته باشد
ابتای نفیس بوده و بسیار دیده شده و از آنجمله ظاهر شد که شیخ و غیره
ذکر این روایت را از جهه احتراز از تهمت قلت تتبع کرده اند و

میتوانند بود که چون غرض از وضع صحف ادعیه و عبادات ذکر
وظایف طاعات و استیفای جمیع مرجحات اوقات است این و
اذکار کرده اند تا اگر کسی را مزید توفیق رفیق باشد در آن و نیز
در اکثار عبادات کوشد **باب سیم** در دفع وجوهی که برای ترجیح
مدلول روایت صفوان مذکور شده از آنجمله آن است که شیخ
طوسی در مصباح و سید ابن طاوس در اقبال از ابن عیاش که
یکی از معتبرین علمای شیعه است روایت کرده اند که گفت بیرون آمد
بسوی اهل من از ناحیه مقدسه بر دست شیخ ابوالقسم ابن
روح رضی الله عنه که یکی از نواب حضرت صاحب الامر علیه السلام
است در آن وقت که او نزد ایشان اقامت داشت این دعا که در
ماه رجب بخوانند و اول دعا این است اللهم انی اسئلک

بالمولودین فی رجب محمد بن علی الثانی وابنه علی بن محمد
المنتجب یعنی خداوندا سؤال میکنم از تو بحق دو مولود مبارک
که متولد شده اند در ماه رجب محمد بن علی ثانی یعنی حضرت امام محمد
تقی ع و فرزند بزرگوار او علی بن محمد برگزیده و شیخ طوسی
از ابن عیاش روایت نموده که مولد حضرت امام محمد تقی در دهم
ماه رجب است و از ابرهیم بن هاشم روایت کرده که مولد حضرت
امام علی نقی روز سه شنبه سیزدهم ماه رجب است و پوشیده نماند
که اگر آنحضرت نیز درین ماه متولد شده بود می‌بایست اسامی
مبارک سه مولود در دعا درج شود و اول اسم مبارک این
حضرت مذکور شود میگوئیم که این کلام محل نظر است از وجوه
متعدده اول آنکه ابن عیاش احمد بن محمد بن عبدالله بن

الحسن بن عیاش جوهری بغدادیست و در آخر عمر مختل شده
و شیخ صدوق احمد بن علی النجاشی که از اکابر علمای رجال است
گفته که من از او اخبار بسیار شنیدم و چون دیدم که علمای
شیعه تضعیف او میکنند آن اخبار را نقل نکردم و احتراز کردم
از آن پس وصف ابن عیاش باینکه از معتبرین علمای شیعه است
از باب ترویج کاسد و توصیف خبر بصحت فاسد است چه احدی
از علما توثیق ابن عیاش نکرده با آنکه روایت متضمن شهادت
برای نفس است و تتبع سایر مرویات ابن عیاش شهادت
بر اختلال عقلش میدهد دویم آنکه مشهور میان علمای شیعه
و سنی آنست که مولد حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه
در نوزدهم یا منتصف ماه مبارک رمضان بوده و تولد

حضرت امام علی نقی علیه التحیة والسلام در منتصف ذی
الحجه شده و کفعمی رحمه الله در حاشیه جنة الامان الواقیه
گفته که شیخ طوسی در مصباح المتهجد از ابن عیاش نقل کرده
است که گفته روز دویم رجب مولد حضرت امام علی نقی
بوده و نیز گفته است که روز پنجم مولد آنحضرت بوده و گفته
است که مولد حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه روز دهم
اینماه بوده و چون بعضی از اصحاب ما مطلع بر این روایت نشده
در اینمقام ایراد سؤالی کرده که حضرت جواد و هادی علیهما
السلام در ماه رجب متولد نشده اند پس چون میتوانند بود که
حضرت صاحب الامر علیه الصلوة والسلام بگوید که خداوندا سؤال
میکنم ترا بحق دو مولود در رجب و جواب گفته که مقصود از این

کلام توسل بآن دو امام عالیمقام است در اینماه نه اینکه تولد
ایشان در اینماه شده انتهی و بنای جواب بر آن است که ظرف
در عبارت دعا متعلق بفعل سؤال باشد نه بوصف مولودین
و همانا که وضوح اشتباه ولادت آن دو سرور در اینماه بر شبه
بوده که مرتکب این خلاف ظاهر بجهت تصحیح دعا شده اند و از
کلام کفعمی ظاهر میشود که بغیر ابن عیاش احدی ولادت آن دو
امام همام را در اینماه نقل نکرده و در کتاب ذریعة النجاح
مذکور است که روز دویم ماه رجب بروایت ابن عیاش روز
ولادت حضرت امام علی نقی است علیه السلام و در روایتی
از ابن عیاش روز پنجم اینماه مولد امام علی نقی است و در روایت
ابرهیم بن هاشم سیزدهم اینماه وارد شده و مشهور این است

که در پانزدهم ماه ذی الحجه بوده سیم انکه ابن شهر اشوب
در مناقب ذکر کرده که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در سه شنبه
یا جمعه غره ماه رجب در مدینه طیبه متولد شده ودر زعیم
النجاح مذکور است که در حدیث معتبر وارد شده که حضرت
امام محمد باقر صلوات الله علیه در روز جمعه غره ماه رجب سال
بسال پنجاه وهفتم هجرت متولد شده پس مقتضای شاهد
باید اسم مبارک انحضرت نیز در دعا مذکور باشد و
هر وجه در جواب گوینده مشترک است چهارم انکه ابن عیاش
خود ولادت امیر المومنین علیه الصلوة والسلام را در سیزدهم رجب
نقل کرده پس مخالفه بما لایرضی به الطرفان نشده نیست
پنجم انکه دلالت مفهوم لقب بسیار ضعیف است و بعید دقاق

اشعری احدی اعتبار آن نکرده با انکه در این مقام میتوان
گفت که جهت تخصیص ندرت ولادت پدر و پسر است در یکجا
یا اظهار بزرگی ان دو معصوم که عامه مخالفین برفعت شان دو
امیر المومنین علیه السلام معترفند یا انکه خصوص توسل بان
سرور وادر استجابت اید عامه خلی باشد وامثال این ان
تخصیصات در توسل بسیار است وجه دیگر ان است که شیخ
طوسی رحمه الله در مصباح از ابرهیم بن هاشم قمی رضی الله
عنه نقل نموده که روز سیزدهم رجب مولد حضرت امام علی نقی
است علیه السلام واین شاهد عظیم است بر انکه ولادت ان حضرت
در این روز نبوده زیرا که ابرهیم بن هاشم از اجلاء محدثین
شیعه است ومخبر من حضرت امام محمد تقی وامام علی نقی

بلکه حضرت امام رضا صلوات الله علیهم نیز چنانچه شیخ کشی
از علمای رجال نقل نموده رسیده و اطلاع تمام بر موالید
ائمه علیهم السلام داشته اگر چنانچه این روز روز ولادت
آنحضرت نیز مسعود می باشد که از اموال هر دو و امام نکوبد
مخصوص حضرت امام علی نقی علیه السلام و از آنجا که اولاد
قدیم مستفاد میشود که ممکن است که مورخین باعتبار
اشتراک اسم اشتباه نموده باشند و این روز را مولد حضرت
امیر المومنین علیه السلام گفته باشند زیرا که حضرت امام
علی نقی مانند حضرت امیر المومنین علیه السلام مسمی باسم علی است
میگوئیم که این قرینه نیز مانند سابق از وجوه عدیده
قاصر است اول آنکه ابرهیم بن هاشم قمی از اصحاب حضرت

امام رضا است و از کتب رجال و احادیث ظاهر نمیشود که
ادراک خدمت امام علی نقی علیه السلام کرده باشد بلکه آنچه
ظاهر میشود این است که بخدمت حضرت صادق علیه السلام
رسیده چه بیواسطه از آنحضرت روایت میکند و در تهذیب
و استبصار و کافی از آن قبیل بسیار است و از الجمله این روایت
است محمد بن یعقوب عن علی بن ابرهیم عن ابیه قال سألت ابا
عبد الله علیه السلام عن صدقات اهل الذمة و ما یوخذ من
ثمن خمورهم و لحم خنازیرهم و میتتهم قال علیه السلام الجزیة
فی اموالهم الحدیث و ازاینجهت بعضی از متاخرین استشکال
کرده و در تعلیقات تهذیب گفته که ظاهر آن است که این
روایت مرسل باشد چه ابرهیم بن هاشم از تلامذه یونس

بن عبد الرحمن است و یونس از اصحاب امام رضاست و در
کتب رجال ابرهیم را از اصحاب حضرت جواد نقل کرده اند
پس روایتش از حضرت صادق علیه السلام بی واسطه بسیار بعید
است و سید المحققین طاب مرقده در دو واضح متصدی دفع
اشکال شده فرموده است که ارسال بلفظ سؤال الجایز بحث
بلی در صورتی احتمال دارد که سند با این عبارت باشد عن
ابیه عن ابی عبد الله علیه السلام و استبعادی ندارد که ابرهیم
تا انکه شرف خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیده ادراک
سعادت خدمت حضرت جواد کرده باشد چه حضرت صادق
صلوات الله در سال صد و چهل و هشت از هجرت از سرای فانی
رحلت فرموده و ان سال ولادت حضرت امام رضاست و

آن حضرت در طوس در سال دویست و سه از هجرت بود و حضرت
جواد علیه السلام در ان وقت نه سال داشت پس ممکن است که ابرهیم
بن هاشم در وقت استفاده بخدمت حضرت صادق علیه السلام
بیست سال داشته باشد و تا زمان حضرت جواد باقی مانده و
شرف خدمتش رسیده باشد این کلام سید المحققین رحمه
الله و از ان ظاهر میشود که احتمال وصول بخدمت امام علی
نقی علیه السلام در شان ابرهیم نبوده و الا در اشکال و رفعش
متعرض ان میشدند لیکن در مصباح در اینمقام مذکور است
که ابرهیم بن هاشم روایت کرده که حضرت ابو الحسن علی بن محمد
صاحب العسکر علیه السلام در سال دویست و پنجاه و چهار رحلت
فرمود و ظاهر ان است که در نسخ مصباح اشتباه شده و

راوی علی بن ابرهیم بن هاشم است وهمانا اینمعنی دلالت
باینکه قدوة المحدثین رحمه الله در زاد المعاد روایت ولادت
حضرت امام علی نقی علیه السلام را در سیزدهم رجب باسناد بعلی
بن ابرهیم داده چنانچه مذکور شد فتفطن دویم انکه این
کلام در وقتی موجه است که غرض راوی تعداد جهات شرف
روز سیزدهم ماه رجب باشد و اما اگر غرض بیان تواریخ
حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه بوده یا انکه از خصوص
مولد انحضرت سؤال شده وجواب گفته پس ذکر ولادت
امیر المومنین صلوات الله علیه در اثنا بی وجهست با انکه
ممکن است که از غایت اشتهار اینمعنی متعرض ذکر آن نشده
وعبارت زاد المعاد در نقل این روایت مشعر است باجتماع

سعادت

سعادتین در ان روز فتدبر سیم انکه راوی این روایت
هرچند جلیل الشان است لیکن لازم نیست که مطلع ومتذکر
ولادت حضرت امیر المومنین در ان روز باشد با فصل زیاده
بر دویست وبیست سال میان زمان ولادت وزمان روایت
چنانکه بعضی از فضلاء این عصر باکمال تتبع اطلاع بر ان ندارند
چهارم اینکه بجویز اشتباه قاطبه سلف وخلف میان حضرت
امیر المومنین علی بن ابی طالب وحضرت علی بن محمد النقی الهادی
صلوات الله علیهما با انکه روز مولد وسال مولد وخصوصیات
بنیاد در نقل تاریخ مانع است از اشتباه رفع اعتماد از جمیع
منقولات ومسموعات میکند وبنیان این ادله وشواهد
را متزلزل میسازد پنجم انکه در مقام بیان اشتباه

مناسب بود که تکنیه بابی الحسن و این از اسباب اشتباه
کنند و باعث این اشتباه مولد حضرت امام رضا علیه
السلم وامر بود دیگر از وجوه این است که ابن شهر آشوب
در کتاب مناقب روایت کرده که چون فاطمه بنت اسد رضی
الله عنها که مادر آنحضرت بود در میان خانه کعبه وضع
حملش شد و از خانه کعبه بیرون آمد و آنحضرت را
بخانه خود آورد رسول خدا صلی الله علیه و آله زبان خود را
بدهان آنحضرت گذاشت و دوازده چشمه از زبان مبارک
آنحضرت منفجر شد و آنحضرت از آن چشمها سیر شد پس
آن روز را روز ترویه نامیدند و چون روز دیگر شد
آنحضرت نظر کرد بحضرت رسول صلی الله علیه و آله و

بروی آنحضرت خندید و بجانب آنحضرت اشاره میکرد
پس آنحضرت او را بدست مبارک خود گرفت فاطمه مادر آن
حضرت چون اینحالات عجیبه را مشاهده کرد گفت عرفه یعنی
شناخت او را باین جهت آن روز را عرفه نامیدند و چون
روز سیم شد که آن روز دهم ماه ذی حجه بود ابو طالب
در میان مردمان ندا کرد و همگی مردم را بولیمه فرزند
بزرگوار خود طلبید و سیصد شتر و هزار گاو و گوسفند کشت
و ولیمه کرد و این واقعه را شیخ طوسی نیز در کتاب امالی
و جمعی دیگر از محدثین نقل نموده اند و این نیز شاهد واضح
است بر آنکه ولادت با سعادت آنحضرت روز هفتم ماه
بود و روز دویم ولادت روز هشتم و روز سیم ولادت

روز نهم نه در سیزدهم ماه چنانچه قول مشهور است
میگوئیم این شاهد نیز مانند سابقین در تقریب مدعی
الکن و غیر مبین است اما اولا پس از جهت آنکه در روایت
امالی شیخ طوسی چنانکه سبق ذکر یافت صریحا مذکور است
که روز دخول فاطمه رضی الله عنها در خانه کعبه روز آخر
ایام حمل بود و سه روز در درون خانه کعبه مکث فرمود
و ظاهر سیاق کلام فاطمه نیز که من در خانه کعبه زائیدم
و سه روز ماندم این است که ولادت در روز دخول
کعبه بوده و همچنین کلام کراجکی صریح در مقارنت ولادت
است با دخول کعبه پس ظاهر شد که مقتضای این روایت
ولادت با سعادت در روز هفتم نبوده و اما ثانیا

پس میگوئیم ممکن است که روز ولادت و روز دخول کعبه یا
آنکه روز ولادت و خروج متحد باشد و آن روز نویه است
که هشتم ماه است پس ادعای اینکه روایت شاهد و اضح است
بر اینکه ولادت در روز هفتم بوده موجه نیست و در تقریر تو
شاهد ذکر اینکه روز دویم هشتم و روز سیم نهم است بجز
تکثیر سواد وجهی ندارد و اما ثالثا پس بر تقدیر صحت این
روایات لازم است که ولادت آن سرور در ماه ذی حجه
باشد نه در ماه شعبان و اگر گویند بنای این روایات
بر نسی است که در زمان جاهلیت در حج میکرده اند و ممکن
است که در سال ولادت آنحضرت ماه شعبان را ذی حجه
فرض کرده باشند میگوئیم که این احتمالی است که قدح

المحدثین رحمه الله در بحار الانوار متعرض آن شده و بخوبی
انطباق آن بر هر یک از ولادت در رجب و شعبان کرده و
در شرح و بیان نسیء دو طریق مذکور و مضبوط است یکی
آنکه شیخ طبرسی رحمه الله از علمای شیعه و ثعلبی از مفسرین
عامه در تفسیر آیه شریفه از مجاهد نقل کرده اند که
کفار حج را در هر دو سال در یکماه میکردند پس در ذی
الحجه دو سال حج میکردند و دو سال بعد از آن در محرم
الحرام و دو سال دیگر در صفر و همچنین پس دوره حج
دوازده ماه در بیست و چهار سال تمام میشد و سال
قبل از حجة الوداع سال دوم حج ذی القعده بوده و
سال حجة الوداع سال اول ذی الحجه و از این جهت

رسول ثقلین صلی الله علیه و آله فرمود که دور روزگار
بنحوی شد که حق تعالی در اول آفرینش آسمانها و زمین مقرر
کرده بود سال دوازده ماه است چهار از آن حرام سه ماه
متوالی ذو القعده و ذو الحجه و محرم و رجب مضر که در میان
جمادی و شعبان است و مقصود آن حضرت این بود که موسم
حج و اسامی ماههای حرام برگشت بمواضع اصلیه خود و نسیء
باطل شد و بنا بر این طریق چون منقول است که انعقاد
نطفه مبارکه حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله
در ایام تشریق نزد جمره وسطی بوده و حجة الوداع در سال
شصت و سه که آخر عمر شریف آنحضرت بود واقع شد
و آن سال اول نوبت حج ذی الحجه بوده پس دو سال

قبل ازان نوبت حج ذی قعده بوده و دو سال قبل ازان
از شوال و همچنین و هرگاه دو دوره حج که چهل و هشت سال
باشد از شصت و دو وضع شود چهارده باقی میماند که
نوبت ذی القعده و شش ماه سابق بران است و دور حج
اول نوبت جمادی الاولی خواهد بود پس در سال مولد
حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و ان عام الفیل
است حج در جمادی الاولی بوده و بنا بر انچه بعضی از
محققین بیان کرده که دوره حج بر این تقدیر در بیست
و پنج سال تمام میشود چه بسبب نسئ در هر دو سال یکماه
منضم بسال دویم میشده و بیست و چهار حج در بیست و
و پنج سال تمام میشود پس بعد از وضع پنجاه سال که

تمام دو دوره است از شصت و دو دوازده سال میماند
و حج در سال مولد خیر البریه صلوات الله و سلامه علیه و آله
نوبت اول جمادی الثانیة بوده و طریق دیگر در نسئ
ان است که محقق خفری ذکر کرده که چون حج از زمان حضرت
خلیل الرحمن صلوات الله علیه در فصول مختلفه واقع میشد
مانند این زمان پس اهل جاهلیت خواستند که پیوسته
موسم حج هنگام رسیدن میوه ها و اعتدال هوا باشد
و ان اوائل پائیز است تا انکه سفر کردن و بجا آوردن
مناسک آسان شود پس در موسم حج خطیبی در مجمع عام
می ایستاد و بعد از حمد و ثنای الهی میگفت برای شما در
این سال یکماه اضافه میکنم و همچنین خواهم کرد در هر سال

تا انکه حج سماد و زمانی شود که سفر کردن اسان باشد و
خاصه ان موافقت و متابعتش میکردند پس محرم را ختم
میکردند بسال سابق و اسم انرا صفر میکذاشتند و اسم صفر
را بر ماه ربیع الاول قرار میدادند و همچنین تا اخر سال پس
حج در سال اینده در دهم محرم میشد و ان ذو الحجه بود
نزد ایشان چه هرکاه صفر مسمی بمحرم شود و انرا اول سال
قرار کنند محرم اینده مسمی بذی الحجه و اخر سال می شود و در
یکسال دو محرم و اضحی جمع میشود یکی در اول سال و دیگری
در اخر سال و ماههای ان سال سیزده میشود و بر این طریق
سه سال متوالی در محرم حج میکردند بعد از ان سه سال در ماه
صفر حج میکردند و سه سال دیگر در ماه ربیع الاول پس در

هر سی و شش سال قمری دوازده ماه قمری کبیسه بوده و بر
این تقدیر بود حج در سی و شش سال و بر تحقیق در سی و هفت
سال تمام میشود و بنا بر اول بیست و شش سال و بنا بر ثانی
بیست و پنجسال از سی و شش و دو باقی میماند و چون ابتداء از
ذی القعده کنند و بهر ماه سه حج رسانند ظاهر میشود که
سال مولد مبارک بنا بر اول سال دویم و بنا بر دویم سال
سیم نوبت حج ماه ربیع الاول بوده و چون در ولادت حضرت
امیر المومنین ع خلافست که بعد از تمام بیست و هشت سال
از عام الفیل بوده یا بعد از سی سال پس بر طریق اول بیست
و هشت حج در چهارده ماه و سی حج در پانزده ماه واقع
می شود و نوبت حج بر تقدیر اول بعد سال مولد حضرت امیر

المؤمنین صلوات الله علیه در جمادی الثانیه بوده و بر
تقدیر دویم در ماه رجب بوده و بنا بر آنکه دوره در سنت
و چهل تمام شود و بر تقدیر اول در ماه رجب و
بر تقدیر دویم در شعبان بوده و اما بر طریق دویم
که محقق خضری ذکر کرده پس لازم می آید که ولادت آن
سرور در ذی الحجه واقع یا محرم باشد پس بنی بر طریق
خضری انطباقی با هیچیک از ولادت در رجب و شعبان
ندارد و بر طریق اول احتمال هر دو دارد و شاهد احدهما
نمیشود و اما ثالثا پس آنکه کافه شیعه از صدر اول الی
الآن بدون رویه و تامل متابعت سنیان کرده باشند در
فحاشیم عن ذلک چگونه چنین باشد با آنکه سید سند

اخبار متعارضه مخالفت آن گروه را از مرجحات شمرده
بوساطت ایشان این روایات بما رسیده و بسیاری در
مقام بیان مولد آنحضرت متعرض آن روایات شده ترک عمل
بآن کرده اند و اما آنکه گویند این نظیر آنست که ثقة الاسلام
کلینی رحمه الله مولد مبارک حضرت رسالت را متابعت مخالفین
در دوازدهم ماه ربیع الاول گفته و سایر علمای شیعه بعد از اطلاع
بحدیث صحیح که وارد شده است که مولد مبارک آنحضرت هفدهم
آن ماه است مخالفت کلینی و علمای عامه نموده اند و هفدهم را مولد
قرار داده اند پس کلامی است ناشی از قلت تامل چه قول کلینی رحمه
الله از اقوال شاذه نادره است و ممکن است که مثل آن متابعت قواعد
حسابیه باشد چنانچه در کتاب سماء و عالم بحار الانوار بیان آن شده

یا آنکه تقیه کرده باشد چنانکه قدوة المحدثین رحمه الله
در تعلیقات کافی تجویز آن نموده یا آنکه از طغیان قلم باشد
و این از آنجا بخاطر تواند بود با مقدمه که علمای امامیه در همه
ازمان و بلاد در عید مولود آن حضرت اتفاق بر آن داشته باشند
الا ما شذ و نادر و دلیل تولد حضرت رسالت در هفدهم
خبر واحد صحیح نیست که مطلع بر آن نبوده باشند بلکه
تواتر و مانند آن است و همچنین شاید قتل عمر بن الخطاب
که مشهور میان قدما آن است که در ذی الحجه بوده و متاخرین
بنا را بر نهم شهر ربیع الاول گذاشته اند و کلید آنست چه
این از مقوله مسائل خلافیه است که در هر عصر که هست
مشهور میان اهل آن عصر احتمال آن میشود و ظاهر

آن است که قتل آن ملعون از برکان بیست و هفتم ماه ذی الحجه است و
ابن بابویه ره از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت کرده که روز
نهم ماه ربیع الاول عمر بن الخطاب کشته شد و موافق آن در کتاب
زوائد الفوائد روایتی نقل شده پس احتیاطا اگر در هر دو روز مراسم
عید را معمول دارند بهتر است و ذکر گویند روایت مضمون مؤید است
بالجمله بطرق عدیده مرویست که من سمع شیئا من الثواب علی شیء فعمله
کان له و ان لم یکن علی ما بلغه یعنی هر که بشنود ثواب بر عملی را و بجا آورد
آن مستحق آن ثواب میشود هر چند چنان نباشد که شنیده مسکوئیم
ذکر وقوع امری که بحسب شرع صلاحیت ایشان بعض عبادات داشته
باشد از مقوله سماع ثواب بر عمل خاص نیست و استاد المحققین ره
در شرح دروس تصریح کرده با آنکه ذکر نفس عمل نیز بدون ذکر ثواب

داخل در بحث انجم نیست با اینکه این وجه در منتصف ماه
رمضان و غیره جاری نیست و اما غرایب وجوه ترجیحات آنست که گویند
روز سیزدهم ماه رجب از ایام منحوسه است و این شاهد بر آنست
که این عطیه عظمی در آن روز واقع نشده و این سخن بی هیچ است اما
اولاً پس از جهت آنکه بر تقدیر صحت اخبار آنکه روایت شده و تسلیم
اینکه مقصود ایام ماه عربی باشد ممکن است که ولادت با سعادت
آن سرور نزد آن این نقص و قصور کند همچنانکه بمقتضای روایات
مصباح ولادت امام علی نقی عم نیز در آن روز شده و اما
ثانیاً پس میگوییم این نیز از کرامات و مفاخر آن حضرت است که
در چنین وقتی جهان کوهری فروزنده زینت بخش عالم محسوس
شده نظیر آنکه ابن شهر آشوب ره روایت کرده که ساعت ولادت

حضرت صادق عم و در آن وقت این عطیه الهی واقع نشده بود
دفع فاسد بافسد است چه بر طریقه انیقه فرقه محقه ناجیه اثنی
عشریه زادهم الله تعالی فی البریه هر یک از ائمه طاهرین علیهم السلام
علم ما کان و ما سیکون میدانند و غفلت و سهو بر ایشان روا نیست
و علم ایشان بآنچه خواهد شد مانند علم بآنست که واقع شده و
ائمه آخر این رحمت الهی و اوعیه علم و سخنین بن عشر عند و گفته
ایشان گفته خدا و پیغمبر خدا است و ما ینطق عن الهوی ان هو الا
وحی یوحی و امثال اشکالات در مقام حجاج ناشی از لجاج است
نعوذ بالله من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و الحمد
لله اولاً و آخراً و الصلوة و السلام علی سیدنا
محمد و آله باطناً و ظاهراً